

## پروفسور مجیب‌الرحمن

در قرن بیستم میلادی در بنگاله میان دانشمندان فارسی، پروفسور مجیب‌الرحمن شخصیت بزرگ در کلکته می‌زیست که به عنوان یک استاد و دانشمند در زمینه زبان و ادب فارسی، خدمات مهم و ارزشمندی انجام داد.

پروفسور مجیب‌الرحمن در سال ۱۹۱۷ م. در قریه «موهینی» در «نالنده» (ایالت بیهار) متولد شد. وی در پنج سالگی به کلکته آمد و در این شهر اقامت گزید. وقتی که وی شش ساله بود پدرش را از دست داد. پس از وفات پدر، وی در یتیم‌خانه مسلم کلکته تحصیل مقدماتی را آغاز نمود؛ سپس، به مدرسه کلکته وارد شد و از آنجا در سال ۱۹۳۴ م.، امتحان متوسطه را با رتبه اول تکمیل نمود و بورس آموزشی محسن را دریافت کرد؛ پس از آن، وی در دانشکده اسلامی کلکته (دانشکده مولانا آزاد کنونی) تحصیل کرد و از آنجا به ترتیب در سال‌های ۱۹۳۶ و ۱۹۳۸ م.، دوره دبیرستان و لیسانس تخصصی فارسی را با کسب رتبه ممتاز تکمیل نمود. وی در سال ۱۹۴۰ م. در امتحان فوق لیسانس زبان فارسی با امتیازات عالی موفق شد. وی از نظر آموزشی، آموزش‌های گوناگون را به خوبی دریافت نمود. وی، بار دیگر در سال ۱۹۵۰ م.، از دانشگاه کلکته مدرک فوق لیسانس در زبان اردو را گرفت؛ سپس، در سال ۱۹۷۰ م.، با دفاع از پایان‌نامه‌اش با عنوان «تلمیحات و اشارات در شاعری فارسی» در دانشگاه بیهار، در رشته فارسی مدرک دکتری را دریافت کرد. این اثر که خدمت مهمی در زمینه زبان و ادب فارسی شمرده می‌شود، برای دانشجویان و پژوهشگران قابل استفاده بسیار می‌باشد.<sup>۱</sup>

۱. اطلاعات رسیده از یکی از اعضای خانواده پروفسور مجیب‌الرحمن (مرحوم)

پروفسور مجیب‌الرحمن ابتدا در دبیرستان «پریدنسی مسلم» کلکته به عنوان آموزگار فارسی از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۷ م. خدمات آموزشی انجام داد. سپس، در بخش فارسی در دانشکده پریدنسی کلکته به کار گمارده شد و در آنجا از سال ۱۹۴۷ م. تا ۱۹۵۰ م. به عنوان دانشیار فارسی به تدریس پرداخت. بعد از آن، وی به دانشکده «لیدی براپورن» کلکته منتقل شد و در بخش فارسی به آموزش پرداخت. آوازه‌اش به سبب خدمات ارجمند در زمینه درس و تدریس زبان و ادبیات فارسی، وی را به دانشکده مولانا آزاد کلکته رسانید. پروفسور مجیب‌الرحمن از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۷ م. در بخش فارسی در دانشکده مزبور به خدمت اشتغال داشت و بعد از ۱۷ سال خدمات طولانی، به عنوان دانشیار در سال ۱۹۷۷ م. بازنشسته گردید. ناگفته نماند که وی به سبب خدمات عظیم همراه با اخلاص و دیانت در ضمن درس و تدریس زبان و ادبیات فارسی به دانشگاه کلکته دعوت شد و آنجا در بخش فارسی به عنوان استاد مهمان تا سال ۱۹۸۵ م.، به تدریس دانشجویان فوق لیسانس اشتغال داشت. این مایه افتخار وی بود که عمق مطالعه و استعدادش در زبان و ادبیات فارسی باعث شد که انجمن آسیایی کلکته با او آشنا شده و مسئولیت پروفسور مهمان را به وی پیشنهاد کند. او فقط برای دو سال از ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۷ م. آن مسئولیت را عهده دار بود. چنین بود که وی دانشجویان و پژوهشگران فارسی را که مشغول به کارهای پژوهشی بودند، به خوبی راهنمایی نمود و در میدان علم و ادب بسیار درخشید!

پروفسور مجیب‌الرحمن پایان‌نامه‌اش را به عنوان «تلمیحات و اشارات در شاعری فارسی»، در سال ۱۹۷۴ م. به زبان انگلیسی چاپ کرد. درباره این شاهکار وی در زمینه زبان و ادبیات فارسی، پروفسور معروف هند «دکتر سنتی کمار چترجی» اینطور اظهار نظر می‌نماید:

”به نظر من کتاب تلمیحات و اشارات به شاعری فارسی پروفسور مجیب‌الرحمن یک اثر مهیج است که به حوزه تحقیق و دانش بنگال اعتبار بخشیده است“<sup>۲</sup>.

۱. اطلاعات رسیده از یکی از اعضای خانواده پروفسور مجیب‌الرحمن.

۲. پروفسور مجیب‌الرحمن: Allusion and References in Persian Poetry, 1974, Calcutta, P. vii & viii.

وی ادامه می‌دهد:

”افتخار من است که با ورق زدن این کتاب حقایق مهم و اطلاعاتی را در یک مجلد می‌توان دید.“

دیگر آثار ارزنده‌اش در زمینه زبان و ادب فارسی عبارتند از:

۱. Rhetoric & Prosody، ۱۹۵۸ م.، کلکته،
  ۲. Modern Persian Reader pt. I & II، کلکته
  ۳. Modern Persian Grammar، کلکته،
  ۴. Modern Persian Translation, Pt. I & II؛ ۱۹۸۶ م.، کلکته،
- کتاب‌های مذکور، درباره زبان و ادب فارسی و بر اساس مصوبات جدید فرهنگ هیأت دولت بنگاله غربی می‌باشد و در تمام دبیرستانهای کلکته، جزو کتب درسی است.
۵. Higher Secondary Golden Persian Guide این کتاب از سال ۱۹۹۵ م. در کلکته برای دانش آموزان فارسی در دبیرستان‌های عالی تدریس می‌شود.
  ۶. علم بیان و عروض: این کتاب، در سال ۱۹۸۱ م. به زبان اردو به چاپ رسیده است. آکادمی «بهار اردو» در سال ۱۹۸۶ م.، به این کتاب جایزه بخشیده است.
  ۷. قاموس ادبیات فارسی: این کتاب در سال ۱۹۹۲ م. در کلکته به چاپ رسید و برای دانش آموزان و دانشجویان فارسی قابلیت استفاده زیادی دارد.
- این هم شایسته ذکر می‌باشد که پروفسور مجیب‌الرحمن، ترجمه شاهنامه فردوسی و دیوان حافظ را به نظم اردو آغاز کرده بود ولی متأسفانه آن را تکمیل نکرد.<sup>۱</sup>
- علاوه بر تألیفات و تصنیفات درسی، وی در زمینه زبان و ادبیات فارسی، مقاله‌های گرانبها، پر ارزش و دارای معلومات ارزنده‌ای هم نگاشت که همه آنها در مجلات مختلف به چاپ رسید. فهرست مقاله‌هایی که پروفسور مجیب‌الرحمن به زبان انگلیسی نگاشت، در ادامه درج می‌شود:

## 1. Influence of Legendary kings & Heroes in Persian Literature<sup>2</sup>

۱. اطلاعات رسیده از یکی از اعضای خانواده ی پروفسور مجیب‌الرحمن.

۲. مجله «ایندو ایرانیکا» جلد ۲۴، شماره ۱-۲، ص ۵۰-۶۳.

2. The Languages of the Sufis<sup>1</sup>
3. Baba Farid Ganj-i-Shakar<sup>2</sup>
4. The Greatness of Amir Khusrou<sup>3</sup>
5. Guru Gobind Singh and His contribution to Persian Literature<sup>4</sup>
6. Raja Ram Mohan Roy<sup>5</sup>
7. Umar Khayyam's Rubais<sup>6</sup>
8. Abu Ali Sena & His contemporaries<sup>7</sup>
9. Progressive Aspects of Makhdoom-e- Jahan's Teachings<sup>8</sup>
10. Amir Khusrau – Har I bringer of Hindu Muslim Culture<sup>9</sup>

مقاله اخیر در کشور روسیه بسیار مورد ارزیابی قرار گرفت و از طرف وزارت نشریات و اطلاعات دولت هند به شکل کتابی ویژه یادگار امیر خسرو در سال ۱۹۷۵ م. به چاپ رسید. اهمیت و ارزش این مقاله باعث شد که یکبار دیگر آن مقاله در مجله اودبودان (Udbodhan) در ماه ژوئیه سال ۱۹۷۶ م. در دهلی چاپ گردد.

11. Amir Khusraw – A Great Lover of India<sup>10</sup>
12. Three Giants of Akbar's Court<sup>11</sup>

۱. مجله «ایندو ایرانیکا»، جلد ۲۶، شماره ۲-۳، ص ۷۲-۹۲.

۲. همان، جلد ۳۰، شماره ۱-۲، ص ۴۴-۴۸.

۳. همان، جلد ۲۸، شماره ۱-۴، ص ۱۱۳-۱۱۵.

۴. همان، جلد ۳۱، شماره ۳-۴، ص ۳۷-۶۲.

۵. همان، جلد ۳۲، شماره ۳-۴، ص ۳۷-۴۵.

۶. همان، جلد ۳۳، شماره ۱-۴، ص ۱۱۳-۱۲۱.

۷. همان، جلد ۳۴، شماره ۱-۴، ص ۷۵-۸۷.

۸. همان، جلد ۳۵، شماره ۱-۲، ص ۹۷-۱۰۸.

۹. همان، جلد ۲۴، شماره ۳-۴، ص ۷۴-۸۱.

۱۰. کمیته وحدت ملی که برای بزرگداشت هفتصد ساله راجع به امیر خسرو تشکیل داده شد، رئیس آن نواب علی یاور جنگ، استاندار مهاراشترا در سال ۱۹۷۵ میلادی مقاله پروفیسور مجیب الرحمن را طلب کرد و آن را از طرف کمیته بزرگداشت در مجله یادگار ویژه امیر خسرو چاپ کرد.

۱۱. مجله «کولکاتا ریویو» Calcutta Review، 1975-76 میلادی.

### 13. Humane Aspects of Akbar the Great With Special Reference to His Din-e-Elahi<sup>1</sup>

#### 14. Rare Flowers of Humanity<sup>2</sup>

آثار فوق به شکل کتاب، رساله و مقاله بسیار کافی و وافی هستند که براساس آنها می‌توان به پروفسور مجیب‌الرحمن در بنگاله میان دانشمندان زبان و ادب فارسی مقامی داد و او را شناخت که هم به عنوان استاد و دانشمند فارسی اقتدار و شهرتی داشت. وی، اگرچه هیچ مقاله‌ای به زبان فارسی ننگاشت ولی براساس شعرهایی که به زبان فارسی سرود، می‌توان گفت که به زبان فارسی خیلی خوب مسلط بود که به عنوان استاد در دانشکده و دانشگاه شناخته شد. در ادامه به شعرهای فارسی او اشاره می‌شود.

پروفسور مجیب‌الرحمن به هر دو زبان اردو و فارسی شعر می‌سرود و «عرفی» تخلص می‌کرد. شعرهایی که به مناسبت روز تأسیس بزم ایران به تاریخ ۲۷ اوت ۱۹۶۳ م. سرود به شکل رباعیاتی است که یک قافیه و ردیف دارد. فقط سه رباعی از آن نقل می‌شود.

#### به یاد جشن روز تأسیس بزم ایران

(۱)

خوش آن کسی که انجمن یادگار ساخت در ریگزار او چمنی پایدار ساخت  
خرّم کسی که علم و هنر را بهار داد خود را بزرگوار در این روزگار ساخت

(۲)

دست ازل سپهر را چون استوار ساخت زیر سپهر انجمنی چون نگار ساخت  
دانشوری گزید کو اسحاق می‌شود پروانه وار او دل و جان را نثار ساخت

(۳)

ایام گل رسید و چه تازه بهار ساخت بلبل نوا کشید و یکی نغمه زار ساخت  
با خوش دلی به سر نبرد دائماً کسی عرفی سپاس گو که ترا غمگسار ساخت<sup>۳</sup>

۱. مجله «اود بودان» (Udbodhan) دهلی، ژانویه ۱۹۷۷ میلادی.

۲. همان.

3. Iran Society, Annual Report, 1963, p.40.

پروفیسور مجیب الرحمن اشعار بسیاری با عنوان «کشور ما کشور هندوستان» دارد که میهن دوستی‌اش را اظهار می‌کند. آن اشعار به سبک مسدّس، هفت بند دارد که طی آن وطنش را می‌ستاید و می‌گوید:

(۱)

کشور ما کشور هندوستان      طالعش فرخنده بادا جاودان  
لاله و نسرین دمد اندر خزان      گوشه فردوس باشد پر زبان  
نطق را صد ساز بخش این چمن      بر لب اعجاز آید چون سخن

(۲)

ای همالسه راز دار باستان      قصه پارینه را هستی نشان  
بر گل رعناى تو رشک جنان      از شعاعش ضو پذیرد کهکشان  
درس گیرد مشتری از رای تو      آسمان سجده کند در پای تو

(۳)

ای برادر ای عزیز ای هموطن      بهر کشور رو، فدا کن جان و تن  
ابر و باد و مهر مه چون کوهکن      روز و شب در کار این دار المحن  
بحر و بر در کار باشند پیش پیش      مردمان غافل چرا از کار خویش

(۴)

قطره چون خورشید را شیدا شود      از صدف مثل گهر پیدا شود  
غنچه چون سیل گلستان می‌کند      سنگ‌ها را بر دریده می‌دمد  
پیش همّت هیچ شیئی دشوار نیست      هیچ گل، عرفی مگر بی‌خار نیست<sup>۱</sup>

هر بند در وصف هندوستان است. کوه همالیا را که در جهان معروف و موجب افتخار کشور هند است بیش از کهکشان، مشتری و آسمان مثال ستوده و هموطنان را به وطن دوستی و فداکاری در راه کشور خویش دعوت می‌کند.

اشعار زیر درباره مولانا ابوالکلام آزاد می‌باشد که به مناسبت آن شخصیت ارجمند و بزرگ سروده شده. این اشعار هم در قالب مسدّس مشتمل بر ۵ بند است. لازم است که همه آن نقل گردد.

۱. اطلاعی بهم رسیده از دفتر یادداشت پروفیسور مرحوم.

## مولانا ابوالکلام آزاد

(۱)

ای آفتاب اوج لیاقت ابوالکلام      ای شمع بزم حسن صداقت ابوالکلام  
 ای عندلیب باغ فصاحت ابوالکلام      ای خضر شاهراه فصاحت ابوالکلام  
 یک عالم است خسته و حیران نظاره کن      کشتی شکستگانیم ای خضر چاره کن

(۲)

میدان علم و فضل و استاد کاروان      وجدان موج معنی را یک بحر بیکران  
 انوار علم، فیض رسان شاه کامران      سرچشمه کرم شده از ذات تو دران  
 دارالعلوم قلم حسن و شباب شد      هر ذره زیر پای تو مثل آفتاب شد

(۳)

ادراک و فکر پخته پرورده انقلاب      پیوسته رهسپار بدی سوی انقلاب  
 هر هر قدم موافق هموطن انقلاب      نوک قلم مطالب مرهون انقلاب  
 کردار همکاب بُدی شعله گفتار      آراستی جهان را تا آمدی بهار

(۴)

تحریر معنی خیز تو تمثیل پر شرار      تقدیر شعله خیز تو مانند شعله بار  
 عالم به فرّ ذات تو دریافت افتخار      اقبال بر براق مداد تو شد سوار  
 بر کرسی وزارت فرهنگ آمدی      با پایتخت هند را خرسند آمدی

(۵)

از جنبش مژگان تو راهی عیان شده      از چشم شعله بار تو فتنه نهان شده  
 چون نبض وقت حال عدالت بیان شده      از رای صائب تو هماندم زبان شده  
 ای رهبر عظیم تو ای میر کاروان      هندوستان بر تویی نازد به نو جهان<sup>۱</sup>

ملاحظه می شود که این اشعار تا چه اندازه از تأثیر، قدرت بیان و دلکشی برخوردار است که از آن استعداد، لیاقت فوق العاده و فارسی دانی شاعر روشن می شود. هر بند درباره مولانا آزاد، فصاحت و بلاغت او، علم و فضیلتش، تکاپوی وجد و جهد وی در

۱. اطلاعی بهم رسیده از دفتر یادداشت پروفسور مرحوم.

استقلال هند، تحریر و سخنرانی شرر بار او و نیز نشستن وی بر کرسی وزارت بعد از استقلال هند هم اوصاف و بیانش را آشکارا کرده است. این دلالت بر قدرت بیان دانشمند فارسی مجیب‌الرحمن در به کار بردن واژه‌های عربی و فارسی دارد.

اینک به نقل شعرهای وی با عنوان «هند باستانی» در قالب مسدّس مشتمل بر شش بند پرداخته می‌شود. این اشعار را قریب به تاریخ ۲۶ ژانویه در سال ۱۹۶۷ م. به مناسبت روز جمهوری هند که در تالار دانشکده مولانا آزاد برگزار شده بود سروده است. شاعر شکوه و عظمتی را که کشور هند در گذشته داشت به گونه‌ای می‌ستاید که بیرون از حدّ وصف و بیان می‌باشد. شاعر می‌گوید:

(۱)

ای کشور بهارت چه بُدی؟ یاد تو داری؟      ای کشور حسرت چه بدی؟ یاد تو داری؟  
گهوارهٔ علم و فن، تابنده چو خورشید      ای کشور گاندی چه بدی؟ یاد تو داری؟

(۲)

فرمان تو مانند قضا تیر روان بود      حکم تو در آفاق قوی همچو گمان بود  
اندر کفِ اکبر چه جهان بود! چنان بود      فرزند جهانگیر، عجب شاهجهان بود  
علم و هنر و عدلِ جهانگیر و ترقی      این مایه اوصاف به هر پیر و جوان بود  
تعمیر به امن است و تعدیل عمل را      بیداد شود عامل تاراج دُول را

(۳)

از پنجه اغیار شده ملک ما آزاد      از دست خود حیف، کنی ناله و فریاد  
وقت است بجویم دلِ هموطنان را      میهن بشود فارغ و آزاد و همه شاد  
ای پرچم جمهوریت فرخنده‌تری باد      قربان دل عرفی به تو، پاینده‌تری باد<sup>۱</sup>  
ابتدا در این بندها، در بزرگداشت تمدن، فرهنگ، علوم و فنون و شأن و شکوهی  
که حکمرانان قدیم کشور هند، در زمانهای گذشته به وجود آورده بودند، سروده که در  
آن تأثیر نگرش او جلوه می‌کند و بعد روزهای استقلال هند را هم به شیوه‌ای بیان کرده  
که خواننده را متأثر می‌سازد و هر بند آن، دارای قدرت تأثیر و نیروی بیان می‌باشد.

۱. اطلاعاتی بهم رسیده از دفتر یادداشت پروفیسور مرحوم.



سری سرت چندرا چترجی، شخصیت نامدار و بزرگ بنگاله بود. پروفسور مجیب‌الرحمن به مناسبت جشن یکصدمین سالگرد زندگی او که در تاریخ ۳۰ ژانویه ۱۹۷۶ م. در انجمن مهابودی برگزار شد، اشعاری به زبان فارسی سرود. این نظم مشتمل بر ۱۲ بیت شعر با عنوان «در تجلیل» اینطور آغاز می‌شود:

ای باد صبا مژده رسانید «بهرت» را      آیین ادب تازه بگردید «سرت» را  
 ای خاک وطن جان تو خورشید صفت گشت      ای ششعه علم و هنر پر نور درت گشت  
 ای کشور بنگاله زهی شاد روانی      گلزار ادب رشک ارم نام «سرت» گشت  
 از برگ به برگ، شاخ به شاخ، همچو گلستان      آراسته گل‌های «سرت چندرا»  
 از عرفی رسانید این مژده «بهرت» را      آیین ادب تازه بگردید «سرت» را<sup>۱</sup>

در اشعار مذکور، شاعر، شخصیت بزرگ «سرت چندرا بهرت» را به خاطر مقام و مرتبه‌اش خیلی ستوده است. علاوه بر آن، ایالت بنگاله را هم بسیار تعریف و توصیف کرده که از خاکش چنین شخصیت علمی و هنری برخاست و نامش را در جهان پرآوازه کرد. همه اشعار تأثیرگذار و دارای قدرت بیان می‌باشد. با همین عنوان شعر دیگری مشتمل بر ۶ بیت سروده که وصف «سری کلیان کماردت» رئیس دانشکده مولانا آزاد کلکته است. این نظم به مناسبت مراسم بزرگداشت و خداحافظی وی با آموزگاران و پروفسوران دانشکده که در تاریخ ۱۲ سپتامبر ۱۹۷۴ م. در تالار دانشکده برگزار گردید سروده شده است وی در توصیف خدمات بزرگ رئیس دانشکده چنین می‌سراید:

آشنای درد را خوش‌تر ز داغ یار نیست      نقشیندان محبت را گلی در کار نیست  
 مرحبا! کلیان بابو، حبذا! کمار دت      شهسوار کامرانی راه، وی در کار نیست  
 هدیه تبریک عرفی پیش «دت» آور از آنک      در چمن‌های سخن بهتر از این گلنار نیست<sup>۲</sup>

همین طور به مناسبت انتصاب و معارفه «سری یو. آر. برمن» به عنوان ریاست دانشکده مولانا آزاد که در همان ماه برگزار شده بود، پروفسور مجیب‌الرحمن با همان عنوان در تجلیل وی، اشعاری مشتمل بر ۷ بیت سرود که اوصاف و خدمات رئیس

۱. اطلاعی بهم رسیده از دفتر یادداشت پروفسور مرحوم.

۲. همان.

دانشکده را ذکر می‌نماید.<sup>۱</sup>

هنگامی که پروفیسور مجیب‌الرحمن به عنوان دانشیار مهمان در بخش عربی و فارسی دانشگاه کلکته درس می‌داد، به مناسبت بازنشستگی یکی از دوستان دانشمند و اهل علم و فضل‌اش «دکتر امالندو بوس» که رئیس بخش انگلیسی بود؛ یک نظم به زبان فارسی سرود و بعدها آن را به زبان انگلیسی برگرداند. اشعار وی با عنوان «در تجلیل» دارای ۶ بند به تاریخ ۴ آوریل ۱۹۷۳ م. در تالار دانشگاه قرائت شد.<sup>۲</sup>

اینک لازم است به اشعاری از پروفیسور مجیب‌الرحمن توجه کرد که درباره دو شخصیت بزرگ و ارجمند ایالت بیهار می‌باشد. یکی پروفیسور سید حسن رئیس بخش فارسی دانشگاه پتنا و دیگری سید شاه عطاء‌الرحمن کاکوی که هر دو در کلکته در کنفرانس سرزمین خاور شرکت کرده بودند. در مراسم استقبالیه مختصری که در بزرگداشت این دانشمندان فارسی در اقامتگاه پروفیسور اعزاز افضل<sup>۳</sup> آراسته شده بود، پروفیسور مجیب‌الرحمن اشعاری با عنوان «تبریک» به همین مناسبت به فارسی سروده بود. این نظم مشتمل بر ۱۳ بیت شعر است و فقط تعدادی از آنها در ادامه نقل می‌شود:

خوشا چه باد معطر ز جویبار رسید	خوشا چه بوی معطر ز مرغزار رسید
یگانه مهر درخشان شرف شد مهمان	بر تختگاه خندان، وقت نو بهار رسید
ز گفته‌های دل‌ویز و نکته‌های حسن	هزار خاطر آشفته را قرار رسید
عظیم‌آباد سعادت به تو مبارک‌باد	حسن عطا چو دو پیکر ز کردگار رسید
بناز کشور شعر و سخن، بناز کلکته	چنین خلاصه دانش در این دیار رسید
قدم نهاد به میخانه پیر ما گاهی	چون صیت نعره مستانه بار بار رسید
زهی نصیب که رشک جهان شد عرفی	هوای لطف و عنایت ز کوی یار رسید <sup>۴</sup>

۱. اطلاعی بهم رسیده از دفتر یادداشت پروفیسور مرحوم.

۲. همان.

۳. پروفیسور اعزاز افضل شاعر برجسته زبان اردو در بنگاله وابسته به بخش اردو دانشکده مولانا آزاد کلکته بود که در سال ۱ ژانویه ۲۰۰۵ میلادی در کلکته فوت کرد. (ر. ک به روزنامه «آزاد هند» ۲ ژانویه ۲۰۰۵ میلادی، کلکته)

۴. دفتر یادداشت پروفیسور مجیب‌الرحمن.

در اشعار بالا وی هر دو مهمان گرامی را توصیف و تجلیل کرده و ابراز افتخار نموده برای شهر کلکته که از حضور ایشان بهره‌ای عاید این شهر گشته است. اینک با تقدیم یک غزل از مجیب‌الرحمن این مطلب به پایان می‌رسد. غزل زیر بسیار عمیق، دلکش و درس آموز می‌باشد که مرد حاسد و کینه جو را سرخورده توصیف می‌کند و کسی را که متّصف به اخلاق حسنه است تمجید می‌نماید:

چه گویی روی حاسد را چو آتش در نهان سوزد  
 زبان لرزد اگر گوید، نگوید استخوان سوزد  
 به روی دوستان بنگر، دمد لاله سمن بوید  
 بهشت جاودان باشد دمی که در چمن بوید  
 جمال همنشین از لذت گفتار می‌آید  
 کمال رفعت پرواز از کردار می‌آید  
 ز انجم تا به انجم می‌رسد هر دم پیامی نو  
 ز اختر تا به اختر می‌رسد هر وقت بام نو  
 براق هوش پیما می‌کند پیدا مقامی نو  
 ولی عرفی که داده شرح باشد آن جهانی نو  
 جهانم در حصار وسعت گردون نمی‌آید  
 دلی دارم که در وسعت به آن جیحون نمی‌آید<sup>۱</sup>

پروفسور مجیب‌الرحمن آموزگار و پروفسور زبان و ادب فارسی و نیز یک دانشمند و شاعر فارسی بوده که از نگارشات و اشعار فارسی وی روشن است. این شخصیت ارجمند کلکته و سرمایه زبان و ادب فارسی به تاریخ ۱۱ فوریه سال ۱۹۹۹ میلادی به سن هشتاد و دو سالگی صدها شاگرد، دانشجو و دوستان را وداع گفته رهسپار ملک عدم گشت.

---

۱. دفتر یادداشت پروفسور مجیب‌الرحمن.

## منابع

۱. مجله «کولکاتا ریویو» Calcutta Review. 1975-76 میلادی.
  ۲. مجله اود بودان (Udbodhan)، دهلی، ژانویه ۱۹۷۷ میلادی.
  ۳. مجله ایندو ایرانیکا، جلد ۲۴، شماره ۱-۲، ۱۹۷۱ میلادی.
  ۴. مجله ایندو ایرانیکا، جلد ۲۴، شماره ۳-۴، ۱۹۷۱ میلادی.
  ۵. مجله ایندو ایرانیکا، جلد ۲۶، شماره ۲-۳، ۱۹۷۳ میلادی.
  ۶. مجله ایندو ایرانیکا، جلد ۲۸، شماره ۱-۴، ۱۹۷۵ میلادی.
  ۷. مجله ایندو ایرانیکا، جلد ۳۰، شماره ۱-۲، ۱۹۷۷ میلادی.
  ۸. مجله ایندو ایرانیکا، جلد ۳۱، شماره ۳-۴، ۱۹۷۸ میلادی.
  ۹. مجله ایندو ایرانیکا، جلد ۳۲، شماره ۳-۴، ۱۹۷۹ میلادی.
  ۱۰. مجله ایندو ایرانیکا، جلد ۳۳، شماره ۱-۴، ۱۹۸۰ میلادی.
  ۱۱. مجله ایندو ایرانیکا، جلد ۳۵، شماره ۱-۲، ۱۹۸۲ میلادی.
  ۱۲. مجله ایندو ایرانیکا، جلد ۳۴، شماره ۱-۴، ۱۹۸۱ میلادی.
13. Iran Society, Annual Report, 1963, p.40.
  14. Prof. Mujibur-Rahman, Allusion and References in Persian Poetry, 1974, Calcutta, P. vii & viii.